



درس یازدهم

اهداف یادگیری و انتظارات پس از مطالعه:

۱- آشنایی بیشتر با چهره‌های مشهور سیاسی و مذهبی ایران، مانند: شهید محمد علی رجایی و شهید

مصطفی چمران

۲- آشنایی و شناخت بیشتر خصوصیات اخلاقی شهیدان بزرگوار مثل: دکتر بهشتی و دکتر چمران و....

۳- آشنایی با نمونه‌هایی از نثر معاصر

۴- تقویت علاقه و تشویق به منظور مطالعه زندگی شخصیت‌های بزرگ مذهبی و علمی

۵- شناخت شخص و شمار در فعل‌های فارسی



عهد و پیمان، عشق به مردم،
رفتار بهشتی و گرمای محبت

شهید رجایی، معلمی متواضع و صمیمی و در کارش بسیار دقیق و منظم و جدی بود.

نکات ادبی: دقیق، منظم، جدی: مراعات نظیر (تناسب) / نهاد: شهید رجایی (چه کسی معلمی...)/ مسند: دقیق و

منظم و جدی (شهید رجایی چگونه بود)/ فعل اسنادی: بود (بود، شد، است)

دانش آموزان دوستش داشتند؛ همان گونه که وقتی رئیس جمهور هم شد، مردم او را دوست داشتند.

نکات ادبی: داشتند (سوم شخص جمع) داشت + ند

او زنگ تفریح میان دانش آموزان می رفت و با آنان گفت و گو می کرد. رفتار او با دانش آموزان چنان بود که بعد از دانش آموختگی، رشته دوستی را قطع نمی کردند. شهید رجایی به معلمی عشق می ورزید. در آغاز سال تحصیلی با شاگردانش عهد و پیمانی داشت که تا آخر سال، هم خود و هم شاگردانش در حدّ توان به آنها پای بند می ماندند. به شاگردانش می گفت:

نکات ادبی: رشته دوستی: اضافه تشبیهی (دوستی: مشبه/رشته:مشبه به)/ عهد و پیمان: مترادف/ او می رفت:

سوم شخص مفرد/ می ورزید: سوم شخص مفرد/ فعل می ماندند: می + ماند + ند: سوم شخص جمع

من دیر نمی آیم، شما هم دیر نیایید.
من غیبت نمی کنم، شما هم غیبت نکنید.
من به شما دروغ نمی گویم، شما هم به من دروغ نگویید.

نکات ادبی: نمی آیم، نمی کنم، نمی گویم: اول شخص مفرد/ نیایید، نکنید، نگویید: دوم شخص جمع

من به هر قولی که به شما بدهم وفا می کنم، شما هم به هر قولی که به من می دهید، وفا کنید.
من خودم را موظف می دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم، شما هم خودتان را
موظف بدانید که به توصیه های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید.

نکات ادبی: تکالیف: جمع مکسر/ خیر و صلاح: مترادف/ می‌دهید، به انجام برسانید: دوم شخص جمع/ وفا می‌کنم:

اول شخص مفرد

در یکی از جمعه‌های اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰ همراه شهید رجایی رئیس جمهور وقت، به قم رفتم. نخست برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه (س) دم در صحن از اتومبیل پیاده شدیم. تازه از در داخل شده بودیم که یکباره موج جمعیت، رجایی را از جا کند و برد و برد و ما به دنبال او، نزدیک بود زیر دست و پا بمانیم.

نکات ادبی: موج جمعیت: اضافه تشبیهی (موج: مشبه، جمعیت: مشبه‌به)/ برد و برد: تکرار/ شدیم، بودیم، بمانیم

(+یم): اول شخص جمع

وقتی رجایی به داخل ماشین آمد، عرق کرده و خسته بود. به او گفتیم: «اگر این وضع ادامه پیدا کند، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند». همان طور که نفس نفس می‌زد، گفت: «بی‌دست هم می‌شود زندگی کرد ولی بی‌مردم نمی‌شود».

خاطره‌ای از کیومرث صابری فومنی (گل آقا)

نکات ادبی: آرایه تضمین/ نفس نفس: قید حالت، آرایه تکرار/ بود: سوم شخص مفرد/ گفتیم: اول شخص جمع/

نخواهد ماند: مستقبل (ند+خواه+د+ماند)

شهید رجایی، فرد بسیار منظمی بود و برنامه‌هایش به هم ریخته نبود. سر ساعت به جلسه می‌آمد. برنامه ورزش، خوراک، مطالعه و خواب او ساعت دقیق و معینی داشت و دقیقه‌ای عوض نمی‌شد. وقتی از پیدایش این خصلت در ایشان از او سؤال می‌شد، می‌گفت: «من این نظم را از آقای بهشتی، یاد گرفته‌ام».

کوچه خلوت‌تر از همیشه بود. باد سردی می‌وزید. مصطفی چمران مثل هر روز از خانه بیرون آمده بود تا به مدرسه برود. هوا سردتر از روزهای پیش بود اما مصطفی مجبور بود، راه خانه تا مدرسه را پیاده برود. برای آنگه کمی گرم شود، دست‌هایش را داخل جیبش فرو برد. دستش به سکه‌های پول، خورد. مدت‌ها بود پول‌هایش را برای خرید یک جفت دستکش جمع می‌کرد. سکه‌ها را داخل جیبش تکان داد. لبخندی زد و با خودش گفت: «فکر می‌کنم امروز بتوانم دستکشی را که می‌خواهم، بخرم». این فکر به سرعتش افزود تا زودتر به مدرسه برسد.

از کوچه گذشت و وارد خیابان شد. خیابان سردتر از کوچه بود و باد با سرعت بیشتری می‌وزید. مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد. دست‌هایش را از جیب بیرون آورد؛ یقه لباسش را بالاتر کشید؛ کمی احساس گرما کرد. حالا سرمای کمتری به صورتش می‌خورد. بعد دست‌هایش را دوباره داخل جیب‌هایش فرو برد. «امروز خیلی سرد است اما عیبی ندارد، تحمل می‌کنم. فردا حتماً دستکش می‌خرم. آن وقت، موقعی که به مدرسه می‌روم، دست‌هایم از سرما خشک نمی‌شود».

سرما بیشتر شده بود و راه، طولانی تر به نظر می آمد. چند قدمی که جلوتر رفت، ناگهان صدایی شنید، صدا آرام و ضعیف و بیشتر به ناله شباهت داشت. ایستاد و به اطرافش نگاه کرد. کمی دورتر، پیرمردی به درخت کهن سالی تکیه داده بود و در حالی که دستانش را به طرف مردم دراز کرده بود، از آنها کمک می خواست.

مصطفی سرما را فراموش کرد و با کنجکاو بی طرف پیرمرد رفت. هر چه جلوتر می رفت، صدای او را بهتر می شنید. پیرمرد حال خوبی نداشت. دست هایش در آن هوای سرد پابیزی سرخ شده بود و حرکتی نمی کرد. پیرمرد کمک می خواست اما عابران بی توجه به او، در حالی که سعی می کردند زودتر خود را به جای گرمی برسانند، از کنارش می گذشتند. صدای پیرمرد در میان زوزه باد، کم شده بود.

نکات ادبی: صدای پیرمرد: نهاد/ گم: مسند/ شده بود: فعل ماضی سوم شخص مفرد/

مصطفی ناراحت شد. اصلاً فکر نمی کرد کسی فقیرتر از خود او هم پیدا شود. با خودش گفت: «حتماً خیلی نیازمند است که گدایی می کند». بعد دستش را در جیب کرد. احساس کرد صدای به هم خوردن سکه ها را می شنود. کمی مکث کرد. انگار کسی به او می گفت: «مصطفی، این کار را نکن. خودت بیشتر به این پول نیاز داری. فکرش را بکن، اگر دستکش بخری، دیگر مجبور نیستی دست هایت را به هم بمالی تا گرم شوند». مصطفی برگشت و به پشت سرش نگاه کرد. کسی را ندید. لجنه زد و گفت: «نه! اگر من به این پیرمرد کمک کنم، خدا هم به من کمک خواهد کرد». سپس دست هایش را که مِشت شده بود، بیرون آورد و به طرف پیرمرد، دراز کرد. پیرمرد به او نگاه کرد. مصطفی دستانش را بالای دست های پیرمرد گرفت. وقتی مِشت مصطفی باز شد، سکه ها غلتیدند و داخل دست پیرمرد قرار گرفتند. لجنه شادی، روی لب های پیرمرد نشست. مصطفی می توانست برق خوشحالی را در چهره او ببیند. سپس بی آنکه چیزی بگوید یا منتظر شنیدن چیزی شود، به طرف مدرسه به راه افتاد. باد سرد پاییزی همچنان در کوچه می وزید اما مصطفی دیگر سردش نبود. او خوشحال بود و همین احساس، او را گرم می کرد.

نکات ادبی: گرم ≠ سرد (تضاد) / باد سرد پاییزی، مصطفی: نهاد / کوچه: متمم / سردش، خوشحال: مسند / او را

گرم می کرد: مفعول / می وزید بود نبود: فعل ماضی سوم شخص مفرد / مصطفی: نهاد / برق خوشحالی: مفعول /

چهره او: متمم / می توانست، ببیند: فعل ماضی سوم شخص مفرد /

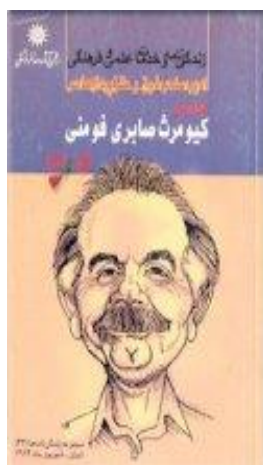
اعلام

کیومرث صابری
فومنی (گل آقا)

۱۳۸۳-۱۳۲۰

(هـ - ق)

طنز نویس



معنی واژگان

فروتن	متواضع
فارغ التحصیلی	دانش آموختگی
ستایش میکرد	عشق می ورزید
نیرو	توان
موظف	پای بند
گفته و سخن	قول
سفارش	توصیه
پاک	مطهر

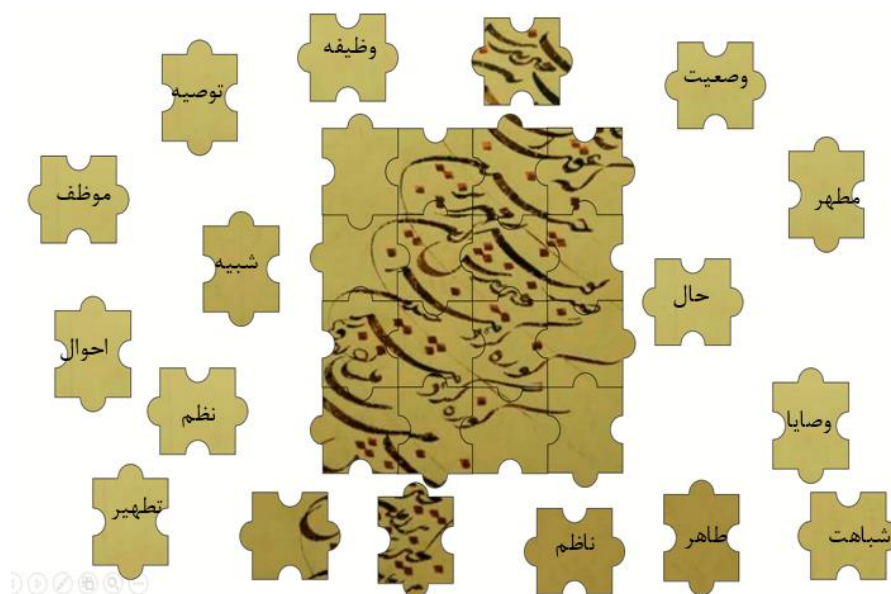


سلام الله عليه	(س)
فضای بیرون، حیات	صحن
نقل قول	گفت



هم خانواده ها

هم خانواده ها و خوشه واژه های مرتبط باهم را پیدا کنید و بنویسید



نکات املائی

کلمات بهم ریخته را مرتب کنید و جمله‌ای از متن درس بیابید و بنویسید.

مواضعت ←

میصمی ←

یجد ←

تغیب ←

ظموف ←

صتویه ←

لخصت ←

مهجمو ←

لغتدیند ←



۱- عهد و پیمان شهید رجایی با شاگردانش چه بود؟ بند چهارم درس

۲- چرا مصطفی هنگام کمک به پیرمرد کمی مکث کرد؟ لحظه ای فکر کرد، انگار کسی به او می گفت: «مصطفی این کار را نکن، خودت بیشتر به این پول نیاز داری. فکرش را بکن. اگر دستکش بخری، دیگر مجبور نیستی دست هایت را به هم بمالی تا گرم شوند».

۳- به کاری که مصطفی کرد «ایثار» می گویند، نمونه ای دیگر از ایثار را بیان کنید. بسیاری از شهدای جنگ تحمیلی که جانشان را در راه حفظ وطن و مردم ایثار کردند.



دانش های ادبی و زبانی



چنان که در درس گذشته آموختیم فعل ویژگی‌هایی دارد که یکی از آنها «زمان» است. علاوه بر زمان، ویژگی دیگر فعل، **شخص** است. منظور از شخص این است که فعل جمله را گوینده، شنونده، یا شخص دیگری انجام می‌دهد مثلاً در جملهٔ اول و دوم گوینده، کاری را انجام می‌دهد. (در جملهٔ اول «فعل رفتن» را «من» انجام می‌دهم و در جملهٔ دوم فعل «دیدن» را «ما» انجام می‌دهیم) در این صورت، فعل به **اول شخص** دلالت دارد. در جملهٔ سوم و چهارم شنونده، کاری انجام می‌دهد؛ در این صورت، فعل، **دوم شخص** است. در جمله‌های پنجم و ششم، شخص دیگری غیر از گوینده و شنونده، کار را انجام می‌دهد؛ در این صورت، فعل به **سوم شخص** اشاره دارد.

شخص	فعل
اول شخص (گوینده)	رفتم – رفتیم
دوم شخص (شنونده)	رفتی – رفتید
سوم شخص (شخص دیگری غیر از گوینده و شنونده)	رفت – رفتند

اگر به جدول بالا دقت کنید متوجه می‌شوید که گوینده (اول شخص) می‌تواند یک نفر باشد (رفتم) یا بیشتر از یک نفر (رفتیم) به عبارت دیگر مفرد باشد یا جمع، همین‌طور شنونده (دوم شخص) می‌تواند یک نفر باشد (رفت) یا بیشتر از یک نفر (رفتید)، سوم شخص هم مانند اول شخص و دوم شخص می‌تواند یک نفر باشد (رفت) یا بیشتر از یک نفر (رفتند). یکی را **مفرد** و بیش از یکی را **جمع** می‌نامیم.

شخص	مفرد	جمع
اوّل شخص	رفتم	رفتیم
دوم شخص	رفتی	رفتید
سوم شخص	رفت	رفتند

- در املاي کلمات مرکّب، نوشتن هردو شکل کلمه (سرهم نویسی و جدا نویسی) درست است مانند:
خوش حال، خوشحال / کتابخانه، کتابخانه / راه گشا، راهگشا/...

- کلمه‌ی صلاح به معنی خیر و نیکی و سلاح به معنی ابزار جنگ است. در هنگام نوشتن املا به تلفّظ و معنی آنها دقّت کنید.



*این بخش به عهده‌ی دانش آموز می‌باشد.

نوشتن

۱- کلمه‌های هم خانواده را پیدا کنید و کنار یکدیگر بنویسید.

توصیه، وصی، وصیت
موظف، وظیفه، وظایف
خصلت، خصال
ضعف، ضعیف، تضعیف
منتظر، نظارت، ناظر

۲- جدول زیر را کامل کنید.

شمار	شخص	فعل
مفرد	اول شخص	گرفتم
		دیدید
		آمد
		می‌شنویم
		خواهند رفت

۳- در جمله‌های زیر، املا صحیح واژه را

الف) برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه(س) دم در..... از اتومبیل پیاده شدیم.
(سحن، صحن)

ب) سکه‌ها..... و داخل دست پیرمرد قرار گرفتند. (غلتیدند، غلطیدند)

۱- معنی واژه‌های (متواضع، مکث، خصلت) به ترتیب در کدام گزینه صحیح است؟

الف) متکبر، سکوت، ویژگی (ب) مغرور، درنگ، خوی

ج) فروتن، سکوی، نیکی (د) فروتن، درنگ، خوی

۲- در کدام گزینه املای همه واژه‌ها صحیح است؟

الف) از در سحن که وارد حرم شدیم، موج جمعیت، رجایی را از جا کند.

ب) من خودم را موظف می‌دانم که برای خیر و سلاح شما تلاش کنم.

ج) یقه‌ی لباسش را بالاتر کشید تا از هجوم باد در امان باشد.

د) سکه‌ها غلطیدند و داخل دست پیرمرد قرار گرفتند.

۳- در کدام گزینه (مرجع ضمیر) به درستی مشخص نشده است؟

الف) پیرمرد کمک میخواست اما عابران بی توجه به او، از کنارش می‌گذشتند.

ب) وقتی شهید رجایی به داخل ماشین آمد، به او گفتیم دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند.

ج) پدر گفته بود: دست‌هایت را بهم بمال. آنها به سرعت گرم می‌شوند.

د) مصطفی دیگر سردش نبود. او خشحال بود و همین احساس، او را گرم کرد.

۴- در کدام گزینه کلمات هم‌خانواده وجود ندارد؟

الف) موظف، وظیفه (ب) شور، شعور

ج) ایمان، مؤمن (د) تعهد، عهد

۵- فعل کدام گزینه سوم شخص مفرد نیست؟

الف) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید. (ب) تو را دانش و دین رهاند درست.

ج) زندگی بر تو می‌زند لبخند (د) به نزد نبی و وصی گیر جای.

۶- از میان گروه کلمه‌های زیر املای چند گروه درست است؟

«عجز و ناتوانی، هجره‌ای ساده، گشت و گزار، توصیه و سفارش، قراعت و خواندن، رهگزران و مشتاقان، فارق و آسوده، غصّه و اندوه، تعمّل و تفکّر»

الف) سه گروه (ب) چهار گروه (ج) پنج گروه (د) شش گروه



سوالات تشریحی:

۷- در عبارت‌های زیر، آرایه‌های خواسته شده را بیابید و جایگاه آنها را مشخص کنید.

الف) یکباره موج جمعیت، رجایی را از جا کند و برد و برد.

ب) (فتار او با دانش آموزان چنان بود که بعد از دانش آموختگی رشته دوستی را قطع نمی‌کردند.

۸- کاربرد معنایی واژه «عهد» را در عبارت‌های زیر مقایسه کنید.

الف) گر از عهد خردیت یادآمدی که بیچاره بودی در آغوش من

ب) در آغاز سال تحصیلی با شاگردانش عهد و پیمانی داشت.

۹- فعل‌های زیر را صرف کنید.

الف) می‌پردازیم: ب) شنیدید:

ج) خواهم دوید: د) می‌شکست:

۱۰- نقش کلمات مشخص شده در بیت (رام تو نمی‌شود زمانه..... رام از چه شدی؟ رمیدن آموز) نقش کلمات مشخص شده را به ترتیب بنویسید.

۱۱- شخص، مفرد و جمع بودن فعل‌های عبارت‌های زیر را مشخص کنید.

الف) گلی خوش‌بوی در حمام روزی... رسید از دست محبوبی به دستم

ب) کنم از جیب نظر تا دامن... چه عزیزی که نکردی با من

ج) ای کارگشای هرچه هستند... نام تو کلید هرچه بستند



سوالات کوتاه پاسخ:

۱۲- به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

الف) یکی از ویژگی‌های فعل را نام ببرید.

ب) معنی « دانش آموختگی » چیست؟

ج) در عبارت « به نزد نبی و وصی گیر جای » فعل چندی شخص است؟

د) شهید رجایی خصلت با نظم بودن را از چه کسی آموخته بود؟

ه) داستان « گرمای محبت » روایت گر خاطره ای از کدام شخص بزرگوار است؟



سوالات جاخالی:

۱۳- جای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

الف) در عبارت « وقتی شهید رجایی به داخل ماشین آمد، به او گفتیم دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند. «، مرجع ضمیر..... است.

ب) « بازار چیزی گرم بودن م کنایه از..... است.

ج) ستاد جنگ‌های نامنظم را..... تاسیس کرد.

د) اگر انسان از روی قصد و نیت خیر، برای آرامش و رفاه دیگران، سختی را برای خود انتخاب کند، چنین کاری نامیده می شود.

ه) شهید رجایی در شهر متولد شد.



سوالات جور کردنی:

۱۴- هر کلمه را به معنی خود وصل کنید.

صحن	فروتن
توان	پاک
متواضع	حیا
مطهر	نیرو



سوالات درست و نادرست:

۱۵- درست یا نادرست بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) شور و شعور هم خانواده هستند.

ب) شخص فعل عبارت « ذره ذره به آسمان بروم »، اول شخص مفرد است.

ج) شهید رجایی نخستین رئیس دیوان عالی کشور پس از انقلاب اسلامی است.

د) عبارت « مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد. » تشخیص دارد.

ه) مرجع ضمیر عبارت « پیرمرد کمک می خواست اما عابران بی توجه به او، از کنارش می گذشتند. »، عابران است.



سوال ۱: گزینه د

سوال ۲: گزینه د

سوال ۳: گزینه الف

سوال ۴: گزینه ب

سوال ۵: گزینه د

سوال ۶: گزینه ی ۱ صحیح است.

گروه‌های نادرست به صورت زیر هستند:

حجره‌ای ساده، گشت و گذار، قرائت و خواندن، رهگذران و مشتاقان، فارغ و آسوده، تأمل و تفکر

سوال ۷: موج جمعیت: تشبیه - برد و برد: تکرار

رشته دوستی: تشبیه

سوال ۸: الف: دوره، روزگار

ب: قول و پیمان

سوال ۹: الف) می + پرداز + یم

ب) شنید + ید

ج) خواهم + دوید

د) می + شکست

سوال ۱۰: مسند، نهاد، نهاد، رمیدن

سوال ۱۱: الف) رسید: سوم شخص مفرد

ب) کنم: اول شخص مفرد – نکردی: دوم شخص مفرد منفی

ج) هستند/ بستند: سوم شخص جمع

ب) فارغ التحصیلی

سوال ۱۲: الف) زمان

د) شهید بهشتی

ج) دوم شخص مفرد

ه) مصطفی چمران

سوال ۱۳: الف) شهید رجایی

د) ایثار

ب) رونق داشتن چیزی

ه) قزوین

ج) مطفی چمران

سوال ۱۴: صحن: حیاط / توان: نیرو / متواضع: فروتن / مطهر: پاک

سوال ۱۵: غ، ص، غ، غ، غ

کاری از شهین دخت مخمل باف

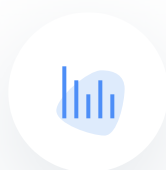
سرگروه ادبیات شهرستان بیرجند، خراسان جنوبی





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد